

مسئول کمیته مجوز حرفه‌ای سازمان لیگ در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

## پرسپولیس واستقلال کاری برای حل بدهی‌ها نکرده‌اند

صفحه ۱۴ را بخوانید



# راه حل آرام کردن بازار

■ دولت برای کنترل قیمت‌های می‌تواند پروژه‌های نیمه‌تمام را

با ۳۹ درصد از غول نقدینگی تمام کند

■ ۷۱ هزار پروژه عمرانی نیمه‌تمام سال هاست منتظر بوده‌جه هستند

■ حالا که پول‌های سرگردان به جان بازار دلار و سکه افتاده‌اند

زمان هدایت نقدینگی است

صفحه ۹ را بخوانید



بهرز شعبی کارگردان سینما و تلویزیون  
در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

سریال «گلشیفته» در دفاع از حقوق زنان است نه فمینیستی



چرا تهدید ترامپ پاسخ تند می‌خواهد؟

ترامپ مثل اوباما، بوش و کلینتون «۳، ۱۱»

هامیلتون جور دن، مشاور جیمی کارتر پس از تسخیر سفارت آمریکا در تهران گفت: ما تحقیر شدیم

فاز یک زائر سرای رضوی به بهره‌برداری رسید

«۷»

رمزگشایی از اظهارات دبیر شورای عالی فضای مجازی  
برخلاف تصور رسانه‌ها «تلگرام»  
رفع فیلتر نمی‌شود

«۷»

رسولی، عضو شورای شهر تهران  
در گفت‌وگو با «فرهیختگان»:

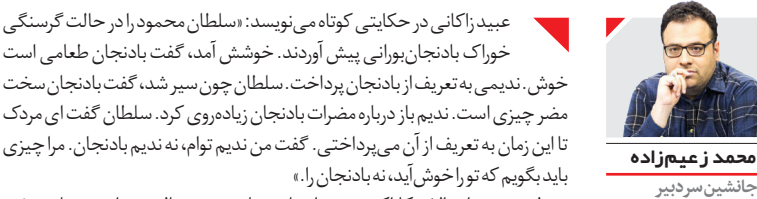
جمع کارگزاران در شورای شهر دو و نیم نفر است

«۱۲، ۱۳»



« یادداشت

## ندیم لیبرالیسم یا امپریالیسم؟



محمد زعیمازاده  
جانشین سردبیر

عبید زاکانی در حکایتی کوتاه می‌نویسد: «سلطان محمود را در حالت گرسنگی خوراک بادنجان بورانی پیش آوردند. خوشش آمد، گفت بادنجان طعمای است خوش، ندیمی به تعریف از بادنجان پرداخت. سلطان چون سیر شد، گفت بادنجان سخت مضر چیزی است. ندیم باز درباره مضرات بادنجان زیاده‌روی کرد. سلطان گفت ای مردک تا این زمان به تعریف از آن می‌پرداختی. گفت من ندیم توام، نه ندیم بادنجان. مرا چیزی باید بگویم که تو را خوش آید، نه بادنجان را.»

به نظر می‌رسد احوالات کاراکتر ندیم داستان جناب عبید، حال و روز این روزهای برخی سیاست‌سازان و مشاوران رسانه‌ای نزدیک به دولت است، افرادی که روزگاری مجبور بودند برجام و مناسبات آن را توجیه کنند و حالا در باب عواید نبود برجام سخن برانند و قلم بزنند؛ روزگاری در نعت آمریکا بنویسند و دورانی در منتقبت آن، یک روز خارج بودن از مدار التفات ایالات متحده را انزوا و بحران ترسیم کنند و روزی درشت گویی با او را.

لحن، ادبیات و گفتار حسن روحانی در مواجهه با آمریکا به شکل واضحی دچار تغییر شده است، انگاره‌های مهمی وجود دارد که در محاسبات سیاسی و اقتصادی دولت هم تغییر نگرش‌هایی به وجود آمده، حال اینکه آیا این تغییرات بیش‌نی و نگرشی در میدان عمل و در عملکرد دولت هم بروز خواهد داشت یا نه بحث دیگری است. اما به نظر می‌رسد برای «پالیسی میکرها»، اطراف دولت این روزها نگرانی اصلی نه از جنس تحقق تغییرات و جبران عقب‌ماندگی پنج ساله دولت، بلکه به‌خاطر ریزش‌های احتمالی در بدنه اجتماعی حامی دولت است.

توجیه مجدد بدنه اجتماعی که در عمل شاهد فاصله معنادار جهت‌گیری‌های دولت حسن روحانی با شعارهای انتخاباتی‌اش هستند، کار مشکلی است؛ بدنه اجتماعی‌ای که می‌بیند ایده اصلی دولت یعنی بستن یا کدخدای برای حل مسائل اقتصادی، زمین‌گیر شده و خروجی مذاکراتی که قرار بود مشکل را هم حل کند به‌راحتی آب خوردن توسط ترامپ هوا شده است. سختی کار برای این «پالیسی میکرها» اینجاست که این تناقضات انباشته شده در عمل، به مرور در ساخت نظری هم رسوب می‌کند و میانی‌ای را که سال‌ها سعی شده بر برخی کنش‌های سیاسی سوار شود، خدشه‌دار کند؛ به شکل واضح این دغدغه و نگرانی برای این افراد وجود دارد که خروجی دولت به نقطه‌ای برسد که در نظر نتوان از ایده لیبرالیسم سخن گفت و دیگر نه از تاک لیبرالیسم نشان بماند و نه از تاک نشانش. حالا اینجاست که باید رطب و یابس به هم بافت و برای نجات ساخت دولت هم که شده چنان صورتی جدید از لیبرالیسم تصویر کرد که جان‌لاک و مونته‌سکیو جان استوارتمیل هم به خواب نبینند. برای این کار هم لازم نیست خیلی علمی حرف زد؛ فقط کافی است دشمنی فرضی درست کرد از منتقدان، دو اسم پرداغه هم می‌توان برای آنها انتخاب کرد، مثلاً چپ‌ها و بنیادگراها و هر آنچه حرف غیرمنطقی و سخیف است به آنها نسبت داد و هر چه خوبی، استدلال، خوش‌فهمی و زمان‌شناسی را به متعهدان و ملتزمان لیبرالیسم. برای توجیه تناقضات دیپلماتیک هم می‌توان دوگانه «ژال پولتیک» و «رومانتیسیم» ساخت و همه منتقدان را شاعر و صوفی خواند و متبخرانه خود را واقع‌گرا و ژال؛ چشم‌پوشید بر همه تعابیر شاعرانه تکنوکرات‌ها برای قالب کردن برجام به روح و جان اقتصاد، سیاست و اجتماع ایران.

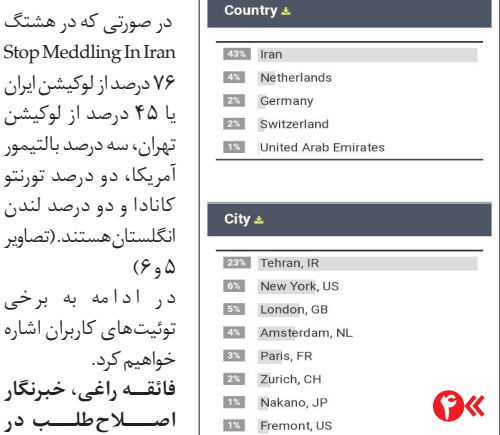
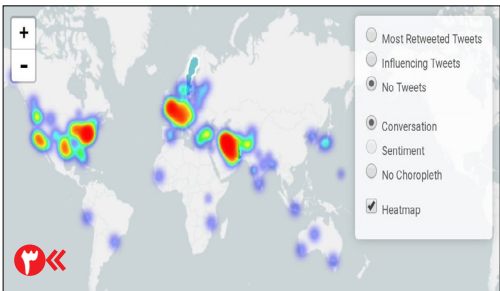
بر اهل علم سیاست پوشیده نیست که روزگاری توسط همین دوستان نادم و یک‌شبه لیبرال شده تصور می‌شد که سیاست می‌تواند وضع ایده‌آل و اوتوپیا را محقق سازد. این نگاه ایده‌آلیستی به محدودیت‌ها و امکان‌ها توجه نداشت، علم سیاست اما باید موانع این رویاپردازی‌ها می‌شد و باید آذهان را متوجه واقعیت‌ها می‌کرد.

اما آیا آقای روحانی در سیاست اهل ژال پولتیک بوده است؟ ایشان نه آن زمان که برجام را با المهره عامل برطرف شدن تمامی تحریم‌ها می‌دانست و حل تمام مشکلات را از آن توقع داشت، اهل ژال پولتیک بود و نه اصلاً تلقی «گفت‌وگو به‌عنوان راه‌حل تمام مشکلات»، به ژال پولتیک ربطی دارد. جالب آنجاست که مستمسک فرض کردن قطعنامه سازمان ملل هم ربطی به ژال پولتیک نداشت، گرچه تمام تلاش مدافعان برجام این بود که چنین وانمود کنند امضای کرّی یا قطعنامه‌ها... تضمین منافع ایران محسوب می‌شود؛ حال که در عمل مشخص شد این خیالات، ربطی به «سیاست واقعی» نداشته‌اند. پس رمانتیک بودن رئیس‌جمهور در سیاست، یک حجت آشکار دارد؛ عدم وصول به نتیجه خاصی که منجر به چرخش کامل ایشان در «روش» هم شده است. اکنون نیز که ایشان از تنگه‌های متعدد صحبت می‌کنند، اگر لوازم سیاست جدید را از داخل دولت دنبال نکنند و ویژه‌خواری و حقوق‌های نجومی و بی‌نظمی در واردات و... را سامان نبخشند، همچنان غرق در وضعیت رمانتیک خواهند ماند و راجعه‌ای از سیاست واقعی نیز به مشام‌شان نرسیده است، ولو اینکه حامیان رسانه‌ای ایشان جیب‌جیب ژال پولتیک بکشند، حتی جیب بنفش!

جالب‌تر اینجاست که حضرات امروز از جمله مصادیق‌ی که برای تکیه کردن دولت روحانی به ژال پولتیک نام می‌برند قطعنامه سازمان ملل است! سازمان ملل یعنی چیزی که بارها و بارها خصوصاً در کشنگری‌های ایالات متحده در غرب آسیا توسط ایالات متحده به هیچ انگاشته شده است، یعنی چیزی در حد همان «امضای کرّی تضمین است». ندیمان داستان ما البته ابتکارات تازه‌ای هم دارند؛ برای توجیه به بن‌بست رسیدن ایده همگرایی با غرب، حسن روحانی را در حد اوئاما لیبرال بخوانند و ترامپ را مرکانتلیست به‌معنای سودجو؛ احتمالاً عقایدی هم ندارند به این سوال جواب بدهند که چرابیشترین تهدید به حمله نظامی در دوره کلینتون و اوئاما یا دموکرات‌رقم خورده است؟ این گونه است که واژه‌ها از معنا تهی می‌شود و با تصویرسازی جدید و البته معشوش از لیبرالیسم نیویورکی به میانی نظری امپریالیسم خدمت می‌شود. با وصفی که فت کاش دوستان حداقل در خلوت از خود بپرسند با کاری که با بادنجان کرده‌اند، آنها مرکانتلیست هستند یا دونالد ترامپ؟

## اجماع ایرانی علیه آمریکا در توئیتر

لندن و چهار درصد از آمستردام است. (تصاویر شماره ۳ و ۴)



در صورتی که در هشتک Stop Meddling In Iran ۷۶ درصد از لوکیشن ایران یا ۴۵ درصد از لوکیشن تهران، سه درصد بالتیمور آمریکا، دو درصد تورنتو کانادا و دو درصد لندن انگلستان هستند. (تصاویر شماره ۲ و ۵)

در ادامه به برخی توییت‌های کاربران اشاره خواهیم کرد. فائقه راغی، خبرنگار اصلح‌طلب در سیستان و بلوچستان: ما سیستان و بلوچستانی‌ها شاید محروم باشیم، اما وطن فروش نیستیم. یگانه خدای، خبرنگار اصلح‌طلب: کجا خوندین و شنیدین کسی از وطن‌فروشی بهره‌ای برده که این طور چوب حراج به این کشور زدین؟! پایان این کشمکش بازنده شما باید چون ما هرطور بشه پای این کشور ایستادیم. امیرعلی صفا، وکیل اهل دزفول: روسیه‌تر از کسانی که برای لقمه نانی که جلوشون بندازن از خارجی می‌خواه موطنش رو بیشتر تحت فشار و تحریم

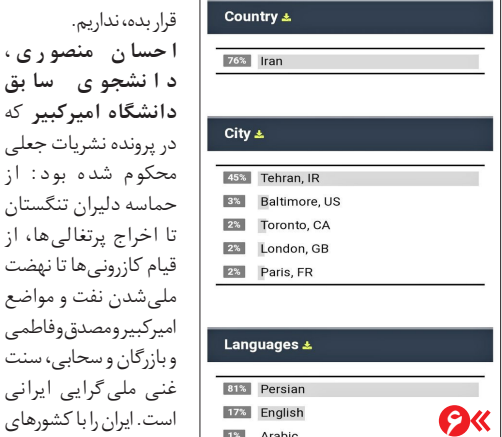
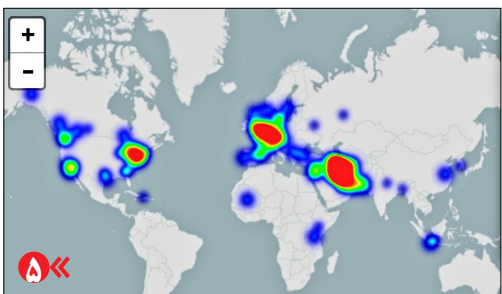
«به مداخله در ایران پایان دهید»، این هشتک بود که از یکشنبه شب ساعت ۲۲ به وقت تهران در توئیتر داغ شد، همزمان با سخنرانی مایک پمپئو، وزیر امور خارجه آمریکا پیرامون سیاست‌های این کشور در قبال ایران در جمع اعضای بنیاد دفاع از دموکراسی که به FDD معروف



هستند، (تصویر شماره ۱) این هشتک به سرعت مورد استقبال کاربران ایرانی قرار گرفت و بسیاری از ایرانی‌های توئیتر، فارغ از جهت‌گیری‌های سوم سیاسی و اختلاف عقیده‌شان با هم، این هشتک را استفاده کردند به طوری که بیشترین سهم را در ترندینگ هشتک داشتند. ویژگی اول این اکانت‌ها، تاریخ ایجاد اکانت یعنی از سوم ماه تا ۱۰ روز پیش بود. (حدوداً از زمان حضور پمپئو در کاخ سفید و فعال شدن پروژه جدید FDD)

ویژگی دوم این شبه‌اکانت‌های رباتیک، بازه فعالیت آنها بود، یعنی این اکانت‌ها صرفاً در بازه زمانی شروع توفان هشتگی فعال شده‌اند و تا قبل از آن فعالیتی تقریباً در حد صفر داشته‌اند. همچنین کاربران غیررباتیک در واقع همان «ذخایر اکانت انبوه» هستند که توسط شرکت‌های تبلیغاتی یا موسسات مرتبط با شکل‌دهی افکار عمومی راه‌اندازی، شخصیت‌سازی و ذخیره‌سازی می‌شوند تا در زمانی که یک پروژه شکل‌دهی به افکار عمومی به جریان می‌افتد، به‌طور انبوه وارد عمل شوند، (شرکت‌های ویکی‌استارت و Psy Group گرداننده کمپین موفق ترامپ در شبکه‌های اجتماعی به‌وسیله ذخایر اکانت انبوه) که روابطشان با FDD و ورودشان به پروژه شکل‌دهی افکار عمومی ایران با هدف براندازی، چندی است برملا شده است.

در نقشه زیر می‌توان نقاط داغ پراکندگی منتشرکننده‌های توییت‌های این هشتک را دید که فقط ۲۳ درصد از تهران، ۶ درصد از نیویورک، پنج درصد از



قرار بده، نداریم. احسان منصوری، دانشجوی سابق دانشگاه امیرکبیر که در پرورنده نشریات جعلی محکوم شده بود: از حماسه دلبران تنگستان تا اخراج پرتغالی‌ها، از قیام کاررونی‌ها تا نهضت ملی شدن نفت و مواضع امیرکبیر و مصدق و فاطمی و بازگان و سحابی، سنت غنی ملی‌گرایی ایرانی است. ایران را با کشورهای مصنوعی و ضعیف

## بریم خارج!!

در دل تهران

به حال یا حال...

اتوبان تهران کرج-بعد از بزرگراه آرژکان-شهرک گلستان-خیابان شهیم

www.opark.ir | ۰۲۱-۴۹۲۶۴ | opark\_tehran